

نقش قانون‌گذاری ملی در جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

مهدی حدادی*

بی‌تردید سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، نقشی اساسی در توسعه اقتصادی کشورها بر عهده دارد، لیکن طبیعت و سرشت سرمایه‌نیازمند محیطی امن و آرام برای فعالیت است. به همین سبب کشورهای نیازمند سرمایه می‌کوشند تا محیط و بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرده و اطمینان آنان را جلب نمایند. از جمله ابزارهای مهم در این زمینه، تدوین قوانین و مقررات داخلی متناسب است، از این رو کشورهای واردکننده سرمایه با تدوین قوانین خاص سرمایه‌گذاری خارجی درصدد حمایت و جلب سرمایه‌های خارجی برمی‌آیند. با وجود این، براساس اصل حاکمیت، هر کشوری حق لغو قوانین و مقررات داخلی خود را دارد؛ امری که به دلیل نیاز کشورهای واردکننده سرمایه، به ندرت اتفاق می‌افتد.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی در جهان پرشتاب امروز است سرمایه‌گذاری خارجی است، به گونه‌ای که این امر نقش عظیمی را در رشد و توسعه اقتصادی

*. عضو هیأت علمی مجتمِع آموزش عالی قم.

کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایفا می‌کند. از طرف دیگر، محیطی مناسب سرمایه‌گذاری است که در آن خطر اندک و سود یا بازده اقتصادی زیاد باشد. از این رو، فراهم نمودن چنین بستری از عوامل مهم جذب و جلب سرمایه‌های خارجی به شمار می‌رود که به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... وابسته است. از مهم‌ترین این عوامل، وجود قوانین و مقررات مناسب در خصوص سرمایه‌گذاری، خصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی، و نیز حمایت و ارائه تضمین‌های حقوقی به سرمایه‌گذاران خارجی است؛ خصوصاً تضمین‌هایی که توسط دولت‌ها از طریق قانون‌گذاری ملی به سرمایه‌گذاران خارجی داده می‌شود.

در سال‌های اخیر استفاده از قوانین سرمایه‌گذاری؛ یعنی قوانین موضوعه‌ای که برای حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته شده‌اند به شدت مورد توجه قرار گرفته است و تحت عناوینی همچون «قانون حمایت از سرمایه خارجی»، «قانون تشویق سرمایه‌گذاری سرمایه خارجی» و...^۱ سیاست دولت را نسبت به زمینه‌های سرمایه‌گذاری اعلام و مشخص می‌سازند. عمدتاً این قوانین، صنایع مورد تصویب برای سرمایه‌گذاری، مقام اجرایی مسئول برای بررسی و نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط ورود سرمایه خارجی و ارسال سرمایه و نیز مقررات مالیاتی را در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در بر دارند. هم‌چنین، استخدام اتباع، قواعد جبران خسارت در مورد ملی کردن و شیوه حل و فصل اختلافات در این قوانین مورد توجه قرار می‌گیرد.

تلاش در جهت ایجاد قوانین یاد شده، نشان دهنده اهمیت بخش خصوصی به طور کلی، و سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی به طور خاص، در توسعه اقتصادی کشورها است. به منظور ایجاد محیط حقوقی مطلوب‌تر برای این سرمایه‌گذاری‌ها، حدود ۴۵ کشور در حال توسعه و کشورهای سوسیالیست سابق طی چند سال گذشته، قوانین سرمایه‌گذاری جدیدی را وضع و به موجب آن تضمین‌های وسیعی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های خارجی ارائه داده‌اند.^۲ به علاوه، در قوانین اساسی اکثر کشورها مقرراتی در مورد حرمت اموال افراد و مصونیت آن‌ها از تعرض پیش‌بینی شده است. با توجه به نکات یاد شده، در این مقاله به بررسی اقدامات قانون‌گذاری کشورهای واردکننده سرمایه در جهت حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، می‌پردازیم.

الف - بیانات سیاسی دولت

در بعضی موارد، دول کشورهای واردکننده سرمایه، برای دادن اطمینان بیشتر به سرمایه‌گذاران در خصوص امنیت اموالشان، بیانه‌های سیاسی رسمی صادر می‌کنند. در کشورهایی که دارای دولت‌های با ثبات هستند، و بیانات سیاسی با حسن نیت ایراد می‌گردند، این اقدام می‌تواند به عنوان یک امر اطمینان‌دهنده پذیرفته شود.^۳ معمولاً این بیانه‌ها منتشر می‌گردند؛ برای مثال، نخست‌وزیر هند در سال ۱۹۴۹ در یک جلسه سخنرانی پارلمانی بیان داشت: هر سرمایه خارجی که به زور تحصیل شود، دولت خسارت مناسب و کافی را پرداخت خواهد نمود. مجدداً در سال ۱۹۵۹، وزیر مالی هند در یک سخنرانی همان موضوع را بیان کرد.^۴

با وجود این، بیانات سیاسی بیانه‌های عمومی هستند که قانوناً برای کشورمیزبان ایجاد الزام نمی‌کنند، از این رو در حمایت دقیق از سرمایه‌گذاری‌ها، ارزش حقوقی چندانی ندارند.^۵ از طرف دیگر، درج چنین سیاستی در قرار دادهای سرمایه‌گذاری یا قانون‌گذاری داخلی، ارزش بیشتری به آن می‌بخشد. و نیز از این طریق سیاست‌ها مشخص‌تر شده و حکومت‌ها، خصوصاً حکومت‌های جانشین، را به اجرای آن مقیدتر می‌سازد، هم چنین دادگاه‌های داخلی برای اجرای آن‌ها نسبت به بیانات سیاسی آمادگی بیش دارند. این قابلیت اجرا، در ارزیابی سرمایه‌گذاران از تضمین‌های داده شده، عامل مهمی محسوب می‌شود.

گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ب - قوانین اساسی

عمومی‌ترین شکل تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاری خارجی یک کشور، از طریق قانون‌گذاری ملی می‌باشد. که ممکن است به صورت‌های مختلف انجام پذیرد. در این میان، قوانین اساسی از اهمیت زیادی برخوردارند، زیرا برخلاف قوانین عادی، وضع، اصلاح و یا تغییر این قوانین نیازمند تشریفات زیاد و پیچیده‌ای است. در واقع قوانین اساسی، مادر سایر قوانین محسوب می‌شوند، لذا هر قانونی که در کشوری وضع می‌شود نباید با قوانین اساسی آن کشور مغایر باشد. در نتیجه تضمین و حمایتی نیز که در قوانین اساسی به اتباع یا بیگانگان داده می‌شود، از اهمیت زیادتری برخوردار است. البته در قوانین اساسی تنها به کلیات و اصول اساسی اکتفا می‌شود و امور جزئی را قوانین

عادی متکفل اند.

قوانین اساسی بیش‌تر کشورها مقرراتی را در مورد تأمین امنیت اموال خصوصی در بر دارند؛ برای نمونه، اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

اصل ۴۷ در مورد مالکیت خصوصی اعلام می‌کند: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون معین می‌کند.»

ماده ۴۱ قانون اساسی ۱۹۷۹ جمهوری فدرال نیجریه مقرر می‌دارد:

«هیچ مال منقول یا منفعت مال غیر منقول و هیچ حق و منفعتی نسبت به چنین اموالی در هیچ کجای نیجریه به زور تحصیل نخواهد شد، مگر به شیوه و منظوری که به وسیله قانون مشخص شده است. در صورت انجام چنین اقدامی، پرداخت فوری خسارت و دادن حق دسترسی به هر شخصی که چنین خسارتی را ادعا می‌کند، به دادگاه حقوق یا محکمه یانهادی که در آن بخش نیجریه صلاحیت دارد، به منظور مشخص کردن ذینفع بودن در اموال و مبلغ خسارت، لازم می‌باشد.»

ماده نوزدهم قانون اساسی ۱۹۶۳ کنیا، تضمین می‌کند که هر کجا تصرف اجباری اموال توسط دولت صورت بگیرد، خسارت کامل و فوری پرداخت خواهد شد.^۶ معمولاً این گونه مقررات مندرج در قوانین اساسی، نسبت به اتباع و بیگانگان به طور یکسان به کار می‌رود، چنان که در اصول یاد شده از قانون اساسی ایران، هیچ گونه تفکیکی بین اتباع داخلی و بیگانگان به عمل نیامده است.

ج - قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی

در طول دهه گذشته دولت‌های حاکم بر کشورهای در حال توسعه در جهت تغییر سیاست خود از تنظیم و محدود ساختن سرمایه گذاری خارجی، به سوی ترویج و تشویق آن و فعالیت شرکت‌های چند ملیتی حرکت کرده‌اند. البته این حمایت‌ها و نظام‌های انگیزشی از صنعتی به صنعت دیگر و از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. از این رو، در این قسمت به مهم‌ترین موضوعاتی که در قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی مورد بحث قرار می‌گیرد، اشاره می‌کنیم:

۱) ورود و مالکیت

دولت‌ها در تنظیم و کنترل ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور و نحوه مالکیت آن‌ها راه‌های زیر را برگزیده‌اند:

الف - اختصاص صنایع معینی به مالکیت انحصاری دولت (عموماً بنابر ملاحظات امنیت ملی).

ب - اختصاص بخش‌های معین به شرکت‌هایی که مالکیت آن‌ها کلاً یا جزئاً در دست اتباع داخلی است.

ج - منع یا محدود کردن مالکیت سهام شرکت‌های داخلی توسط اتباع خارجی، و الزام سهام‌دار خارجی به کاهش تدریجی یا خروج کامل سرمایه خود از شرکت، طی دوره معین.

در طول دهه گذشته، سیاست بسیاری از کشورهای در حال توسعه در همه زمینه‌های یاد شده به طور گسترده در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری‌ها و عملیات شرکت‌های فراملی تغییر یافته است.^۷ به طور کلی مقررات مربوط به کاهش تدریجی یا خروج کامل سرمایه‌چندان مؤثر نبوده است. این مقررات، شرکت‌های فراملی را نسبت به احتمال تملک کل سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های محلی نگران ساخته و در نتیجه از میزان سرمایه‌گذاری کاسته است. شرکت‌هایی که به‌رغم این وضع، اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اکثراً شرکت‌های فراملی کوچکی بوده‌اند که انتخاب مناسب دیگری نداشته‌اند. تخصیص بخش‌های خاصی به شرکت‌های داخلی، هم‌چنین مالکیت انحصاری دولت در بعضی بخش‌ها نیز نتیجه مطلوبی در بر نداشته است. روند مقررات زدایی و خصوصی‌سازی در دهه گذشته، نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای در حال توسعه این سیاست‌های محدودکننده، نتایج رضایت‌بخش به بار نیاورده است. کشورهای مکزیکی و اندونزی نمونه‌های جالبی از خصوصی‌سازی و مقررات زدایی به دست داده‌اند.

در سال ۱۹۸۲، دولت مکزیکی در واکنش به بحران بدهی خارجی و مشکلات دائمی خود در زمینه کمبود ارز و نحوه تخصیص آن، سیستم بانکی خود و از جمله بانک‌های فراملی را ملی اعلام نمود. این سیاست به هر حال موفقیتی در بر نداشت. در نتیجه دولت مکزیکی تصمیم گرفت صنعت بانکداری را به بخش خصوصی بازگرداند.

در سال ۱۹۸۸، دولت اندونزی نیز که با افزایش شدید بدهی‌های خارجی و مشکلات مربوط به مدیریت نرخ برابری ارز مواجه بود، اقدام به مقررات زدایی سیستم

بانکی و تسهیل فعالیت بانک‌های خارجی نمود. این سیاست دولت اندونزی به طور کلی موفقیت آمیز بوده است، فرار سرمایه‌ها متوقف شده و علاوه بر حجم عظیمی از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور، سرمایه‌گذاری‌های داخلی نیز سرعت گرفته است.^۸

در همین راستا، قوانین سرمایه‌گذاری جدیدی که وضع شده‌اند، عموماً آزاد سازی نظام سرمایه‌گذاری را تشویق نموده و استانداردهای بالای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در بر دارند. تعدادی از قوانین سرمایه‌گذاری جدیدتر، اصل ورود آزاد را مقرر می‌دارند و استثنائات وارد به این اصل را که معمولاً در یک لیست سیاه منضم به قانون مشخص شده است، محدود می‌نمایند.^۹

برای نمونه، بر اساس قانون سرمایه‌گذاری شماره ۲۳۰ مورخ ۱۹۸۹ مصر، سرمایه‌های خصوصی با هر ملیت ممکن است به طور مستقل یا مشترک با اتباع سایر ملل در هر زمینه سرمایه‌گذاری، طبق قانون گذاری مشارکت کند. هم چنین بر اساس همین قانون، تمام پروژه‌های اجرا شده در چهار چوب قانون سرمایه‌گذاری، بدون توجه به ملیت یا اقامتگاه مالکین، حق به دست آوردن زمین و اموال غیر منقول مورد نیاز برای ایجاد یا گسترش پروژه‌های مصوب هیأت مدیره سرمایه‌گذاری را خواهند داشت.^{۱۰}

قانون تشویق سرمایه‌گذاری در مالزی در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسید که بر اساس آن هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی به منظور افزایش ظرفیت‌های تولید و تنوع بخشیدن به محصولات صنعتی که تا ۸۰ درصد به خارج از کشور صادر گردد، به هیچ گونه مجوزی احتیاج ندارد. میزان سهام شرکای خارجی در سرمایه‌گذاری می‌تواند با توجه به فاکتورهایی چون سطح تکنولوژی، میزان استفاده از منابع داخلی و حجم سرمایه‌گذاری تا ۷۹ درصد تعیین شود، و در فعالیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، شرکت‌های خارجی می‌توانند ۱۰۰ درصد سهام را در اختیار خود داشته باشند.^{۱۱} در طول شش سال گذشته، بعد از تصویب قانون تشویق سرمایه‌گذاری در مالزی، جمعاً معادل ۵۰ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری شده که از این مبلغ، ۲۹ میلیارد دلار از منابع خارجی شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و یا سرمایه‌گذاری مشترک تأمین شده‌اند.^{۱۲}

دولت روسیه نیز در یک تلاش، جهت ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، اصلاحات حقوقی و اقتصادی را متعهد شده است. در اجلاس ۲۷ ژوئن ۱۹۹۴ شورای

مشورتی شرکت‌های خارجی در روسیه «چرنومیردین» نخست وزیر وقت روسیه، قصد دولتش را در پیشنهاد لایحه‌ای به پارلمان اعلام نمود که تأثیر به‌سزایی بر عملیات شرکت‌های خارجی در روسیه بر جای گذارد. از جمله اموری در این پیشنهاد مطرح شده است، اجازه به شرکت‌های خارجی جهت خرید و مالکیت کامل زمین به منظور استفاده از آن در ایجاد بنا و تأسیسات جدید می‌باشد.^{۱۳}

آزاد سازی هایی که اخیراً در کشورهای عضو «بازار مشترک آند» به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته به افزایش این گونه سرمایه‌گذاری‌ها در این کشورها، خصوصاً در بخش تولید صنعتی، منجر شده است.^{۱۴}

ماده ۱ قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب سال ۱۳۳۴ ایران و هم چنین ماده ۱ آئین نامه اجرایی آن در خصوص ورود سرمایه‌گذاری خارجی اشعار می‌دارند که: فقط اشخاص و شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی خارجی، آن هم با اجازه دولت ایران، از تسهیلات این قانون برخوردار خواهند شد. البته شرط استفاده این گروه از امتیازات این قانون به شرایط ذیل منوط شده است:

۱- به کار انداختن سرمایه در رشته‌ای تقاضا شود که فعالیت در آن برای مؤسسات خصوصی داخلی مجاز باشد.

۲- متضمن حقوق انحصاری و امتیاز به خصوص نباشد.

۳- سرمایه خصوصی بوده و هیچ دولت خارجی در آن سهیم نباشد.

تبصره ۱ ماده ۳ قانون مزبور بیان می‌دارد که: قانون مربوط به تملک اموال غیر منقول اتباع خارجی مصوب ۱۶/۳/۱۳۱۰ به قوت خود باقی است.

بنابراین مشاهده می‌گردد که در قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی ایران، با وجود پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط و محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است که تا حدودی انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در ایران کاهش می‌دهد.

۲) انتقال سود و سرمایه به خارج

کنترل میزان انتقال سود و اصل سرمایه سرمایه‌گذاران خارجی به طور گسترده‌ای رایج است. این قبیل کنترل‌ها می‌تواند اهدافی چون تشویق سرمایه‌گذاری مجدد سود، حداکثر بهره برداری از موقعیت انحصاری سرمایه‌گذار خارجی و کاستن از تقاضا برای ارز خارجی را در نظر داشته باشند.^{۱۵} کنترل انتقال وجوه به خارج، وقتی می‌تواند مؤثر باشد که کشور میزبان موقعیت‌های دیگری را برای سرمایه‌گذاری‌های سود آور به

سرمایه گذاران خارجی عرضه نماید.

به هر حال در اکثر موارد ثابت شده است که این کنترل‌ها قیود جدی و الزام آوری را برای سرمایه گذاران خارجی ایجاد نمی‌کنند، زیرا در کشورهای میزبان موقعیت‌های سرمایه گذاری که هم توجیه پذیر و هم با استراتژی کلی سرمایه گذاران خارجی خصوصاً شرکت‌های فراملی سازگار باشد، وجود ندارد. به علاوه، از کنترل‌هایی که برای انتقال ارز برقرار می‌شود به آسانی می‌توان عبور کرد.^{۱۶}

این واقعیت که بسیاری از کشورها به رغم نیاز شدیدی که به ارز خارجی دارند، اخیراً این قبیل کنترل‌ها را کاهش داده‌اند، نشانه‌ای از مساعدتر شدن نظر این کشورها به سرمایه گذاری‌های خارجی و شرکت‌های فراملی است. در بعضی از کشورها، مقررات مربوط به سرمایه گذاری مجدد سود، در بخش‌های اقتصادی و یا فعالیت‌های تجاری دیگر نیز شدت خود را از دست داده است. از این روند کنترل می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این گونه مقررات باعث انصراف سرمایه گذاران خارجی از سرمایه گذاری می‌گردد. لذا کشورهای میزبان در جهت جذب هر چه بیشتر سرمایه گذاری خارجی، تضمین‌هایی را به سرمایه گذاران خارجی در مورد انتقال سود و اصل سرمایه می‌دهند؛ برای نمونه، به منظور حمایت و تشویق جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در پاکستان، دولت این کشور یک چهارچوب حقوقی مناسبی را برای فعالیت سرمایه گذاری خصوصی خارجی، با ضمانت‌های زیر فراهم نموده است:

- امکان ارسال وجوه سود و سرمایه.

- امکان ارسال جوایز مربوط به تشویق سرمایه گذاری.^{۱۷}

بر اساس قانون جلب و سرمایه گذاری خارجی در کره جنوبی، دولت مکلف شده است که با این قبیل سرمایه گذاری‌ها رفتار منصفانه‌ای داشته باشد و از هر گونه تبعیض علیه این سرمایه گذاری‌ها پرهیزد. بر طبق این قانون، دولت کره انتقال این قبیل سرمایه ها و سود سهام آن‌ها را تضمین می‌کند.^{۱۸}

قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی سال ۱۳۳۴ ایران نیز اجازه می‌دهد که صاحب سرمایه هر سال سود ویژه حاصل از به کار انداختن سرمایه خود در ایران را تا میزانی که در آئین نامه مقرر می‌گردد، خارج کند. علاوه بر آن، صاحب سرمایه می‌تواند سود خود را به صورت صدور کالای مجاز بدون تعهد ارزی به خارج انتقال دهد. هم‌چنین بر اساس این قانون، بازگشت اصل سرمایه، پس از خاتمه عملیات در ایران و

ارزشیابی میزان آن توسط هیأت رسیدگی، امکان‌پذیر است. فروش سرمایه و یا قسمتی از آن به سرمایه‌گذار خارجی دیگر، پس از تصویب آن توسط هیأت رسیدگی امکان‌پذیر خواهد بود. بالاخره در صورتی که زیانی متوجه سرمایه‌گذار شده باشد آن قسمت از سرمایه که به موجب ترازنامه موجود است پس از تصویب آن توسط هیأت رسیدگی قابل انتقال به خارج خواهد بود.^{۱۹}

بنابراین، روند کلی در اکثر کشورهای در حال توسعه، این است که بازگشت سرمایه و سود را به کشور صادرکننده سرمایه اجازه داده یا لاقلاً آن را به کسب اجازه قبلی مشروط کرده‌اند. در عین حال کشورها ممکن است شرایط دیگری را نیز برای انتقال در نظر بگیرند که باید از سوی سرمایه‌گذاران خارجی رعایت شود؛ به عنوان مثال، تعدادی از کشورها، انتقال آزاد درآمدها و سرمایه را فقط برای سرمایه‌گذاری‌هایی که به تصویب رسیده‌اند اجازه می‌دهند، اما انتقال از سوی واحدهایی که وضعیت تصویب را ندارند، محدود می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌هایی معمولاً تصویب می‌شوند که یا تولیدی باشند یا در توسعه اقتصادی کشور مشارکت نمایند. از جمله کشورهایی که این تمایز را قائل می‌شوند پاکستان، هند، اندونزی، لیبی، تایلند و... می‌باشند.^{۲۰} بعضی کشورها انتقال راحتی برای واحدهای مورد تصویب نیز محدود می‌کنند؛ مثلاً کشوری ممکن است فقط تبدیل در صد معینی از درآمدها را به نرخ رسمی به پول رایج خارجی اجازه دهد و مبالغ زیادی را به نرخ آزاد قیمت‌گذاری کند که این هم در مورد برزیل و کاستاریکا صادق است.^{۲۱}

کشورهای دیگر ممکن است، انتقال را به سطح معینی محدود سازند؛ برای مثال، اتیوپی سالانه بازگرداندن سرمایه و سود را فقط تا ده درصد اجازه می‌دهد.^{۲۲} به هر حال آن چه مسلم است در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، اصل انتقال سود و سرمایه تضمین می‌گردد، در عین حال کشورها با توجه به سیاست‌های خود و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی، ممکن است کنترل خود را بر این انتقال افزایش یا کاهش دهند.

۳) سلب مالکیت و پرداخت خسارت

خطرات غیر تجاری، به خصوص خطر سلب مالکیت از اموال بیگانه و عدم جبران خسارت از عمده‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در کشورهای واردکننده سرمایه می‌باشد. چنان که گذشت، در قوانین جلب سرمایه‌های خارجی در بسیاری از کشورهای رو به

رشد، از مکانیسم‌های تشویقی استفاده می‌شود. مهم‌ترین امتیازی که کشورهای علاقه‌مند به جلب سرمایه‌های خارجی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند، کاهش این گونه خطرات است.

در خصوص سلب مالکیت و ملی کردن یا مصادره اموال سرمایه‌گذاران خارجی، قوانین سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به دو نحوه عمل می‌کنند: بعضی از این قوانین اصولاً سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی را ممنوع نموده و تحت هیچ شرایطی به این امر اقدام نمی‌نمایند که در این حالت دیگر مسئله جبران خسارت مطرح نخواهد شد؛ برای نمونه، ماده ۱ قانون جدید سرمایه‌گذاری ویتنام (مصوب دومین جلسه مورخه ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۷ مجمع ملی جمهوری سوسیالیست ویتنام) اشعار می‌دارد: «دولت ویتنام مالکیت سرمایه‌گذاران و دیگر حقوق سازمان‌ها یا افراد خارجی را با در نظر گرفتن شرایط مطلوب و تشریفات آسان و ساده برای سرمایه‌گذاری در ویتنام تضمین می‌کند.» در

در ماده ۲۰ نیز مقرر شده است: «سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات خارجی یا افراد در ویتنام، توسط دولت جمهوری سوسیالیست ویتنام تضمین خواهد شد.»

هم چنین در ماده ۲۱ آمده است: «در صورت سرمایه‌گذاری در ویتنام، سرمایه‌اموال و دارایی‌های سازمان‌ها یا افراد خارجی از شمول حکم مصادره مبرا خواهند بود.»^{۲۳} دسته دیگر از قوانین سرمایه‌گذاری خارجی، با حفظ حق سلب مالکیت و ملی کردن برای دولت کشور میزبان، آن را به شرایطی از جمله پرداخت خسارت عادلانه مشروط می‌نمایند؛ برای نمونه، طبق قانون روسیه، ملی کردن سرمایه‌های خارجی ممنوع بوده مگر در صورتی که به نحو احسن به نفع مصالح کشور باشد.^{۲۴}

در مورد نگرانی‌های مربوط به تأمین حق مالکیت، قانون سرمایه‌گذاری نامیبیا نیز تصریح دارد که در صورت مصادره، غرامت عادلانه، بدون تأخیر غیر موجه پرداخت خواهد گردید.^{۲۵}

بر اساس قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی ایران، دولت می‌تواند سرمایه‌های خارجی را بنابر منافع عمومی، ملی اعلام کند. لیکن این قانون پرداخت غرامت عادلانه به سرمایه‌گذار خارجی را تضمین می‌کند،^{۲۶} جبران عادلانه خسارت مذکور به مأخذ ارزش زمان عادی بلافاصله قبل از سلب مالکیت صورت می‌گیرد.^{۲۷} بنابراین در قوانین دسته دوم، دولت میزبان در صورت سلب مالکیت یا ملی کردن،

شخصاً پرداخت خسارت را تضمین می‌کند. در مورد نحوه جبران خسارت و این‌که کشور میزبان، طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی خود، خسارت عادلانه و مناسب را پرداخت می‌کند یا طبق دیدگاه کشورهای صادرکننده سرمایه از فرمول مشهور «جبران خسارت فوری، کافی و مؤثر» استفاده کند، به سیاست اقتصادی و نیاز کشور میزبان به سرمایه‌گذاری خارجی بستگی دارد. در حال حاضر تعدادی از کشورهای در حال توسعه برای دادن اطمینان و تضمین بیشتر به سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی، در مورد سلب مالکیت، در قوانین خود عمدتاً از فرمول یاد شده استفاده می‌کنند،^{۲۸} لیکن در این خصوص رویه یکسانی بین کشورها وجود ندارد؛ آن‌چه مسلم است این است که سلب مالکیت و ملی کردن، بدون جبران خسارت نمی‌ماند.

۴) حل و فصل اختلافات

تقریباً تمام قوانین سرمایه‌گذاری جدید، با ارجاع به داوری، اختلافات میان دولت و سرمایه‌گذاران خارجی را حل و فصل می‌کنند؛ برای مثال، قانون سرمایه‌گذاری نامیبیا، اعلام می‌دارد که اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت در مورد غرامت‌داری‌های مصادره شده می‌تواند به داوری بین‌المللی ارجاع شود.^{۲۹}

طبق قانون روسیه نیز، این‌گونه اختلافات را می‌توان در دادگاه‌های ملی و یا در صورتی که مفاد پیمان‌های بین‌المللی درباره آن‌ها صدق کند، در محاکم بین‌المللی حل و فصل کرد.^{۳۰}

تعداد قابل ملاحظه‌ای از این قوانین، مشخصاً به داوری‌هایی اشاره می‌کنند که به طور وسیع در تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی استفاده می‌شود، مانند داوری از طریق مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSTD) یا دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و داوری از طریق قواعد داوری کمیسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق تجارت بین‌المللی (UNCITRAL).^{۳۱}

پیش‌بینی رجوع به داوری بین‌المللی، باعث اطمینان و اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی به کشور میزبان خواهد شد، چراکه اصولاً سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل عدم اعتماد به محاکم کشور میزبان و برای فرار از مقررات داخلی آن حاضر به ارجاع اختلافات خود به این محاکم نیستند. لذا کشورهای در حال توسعه طالب سرمایه‌گذاری خارجی، در اولین گام برای وارد شدن به

تکاپوی اقتصادی جهان، قوانین شفاف، گویا و جذابی از نظر تسهیل سرمایه گذاری تصویب کرده‌اند، از جمله موارد جذاب بودن قوانین این کشورها پیش بینی ارجاع اختلافات به داوری بین المللی می باشد.

با وجود این، در ماده ۳ قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی ۱۳۳۴ ایران، تنها به حل و فصل اختلافات مربوط به جبران خسارت وارده ای اشاره شده که دولت آن را تضمین کرده است و مرجع حل اختلافات نیز محاکم صلاحیت دار ایران معرفی شده است. از ماده یاد شده چنین استنباط می شود که تنها ادعای جبران خسارت بایستی از طریق محاکم صلاحیت دار ایران حل و فصل گردد ولی در سایر موارد امکان ارجاع به داوری بین المللی وجود دارد. این امر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری را در صورتی که طرف دعوا خارجی باشد، موکول به تصویب مجلس کرده است، مغایر نمی باشد. زیرا در غیر از مسئله جبران خسارت وارده ای که دولت آن را تضمین کرده است معمولاً بحث اموال عمومی و دولتی مطرح نمی شود. این ماده می تواند خود مانعی در جهت، جذب سرمایه های خارجی به کشور باشد، لذا لازم است ما نیز همانند سایر کشورها رجوع به داوری بین المللی را برای حل و فصل اختلافات بپذیریم.

(۵) معافیت ها و امتیازات مالیاتی و گمرکی

در کلیه قوانین سرمایه گذاری خارجی، برای جلب سرمایه های خارجی از نظام انگیزشی استفاده می شود که یکی از رایج ترین شیوه ها، اعطای معافیت و امتیازات مالیاتی و گمرکی است. علت این امر آن است که سرمایه گذاران بیش تر به در آمد حاصل از سرمایه گذاری بعد از کسر مالیات توجه دارند تا در آمد مطلق، لذا اختلاف در سطح مالیات بر درآمد، ممکن است از انتقال سرمایه حتی به کشوری که در آن بازدهی و سود سرمایه گذاری زیادتر است، جلوگیری کند،^{۳۲} زیرا وضع یا افزایش مالیات، بالا رفتن هزینه را به دنبال دارد.

کمیته اقتصادی سازمان ملل متحد برای آسیا و خاور دور (ECAFE) از جمله شرایط لازم برای جلب سرمایه های خارجی به کشورهای توسعه نیافته را، فقدان مالیات مضاعف و وجود سیستم مالیاتی عادلانه ذکر می کند به نحوی که قسمت اعظم منافع شرکت های خصوصی به عنوان مالیات دریافت نگردد.^{۳۳}

۵-۱) معافیت‌ها

در کشورهای در حال توسعه، شایع‌ترین شکل بخشودگی مالیات نسبت به درآمد و منافع، برای یک دوره حداقل پنج ساله به کار می‌رود، زیرا این مدت، برای تأسیس صنعت و شروع فعالیت، دوره‌ای معقول تلقی می‌شود؛ برای نمونه، بر اساس قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کره جنوبی، از جمله امتیازات مالیاتی فراوانی که برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته شده، معافیت کامل از پرداخت مالیات بر درآمد در پنج سال اول است.^{۳۴} در بعضی از کشورها، مثل غنا،^{۳۵} این مدت پنج سال ممکن است به ده سال که ابتدای آن از روز تولید می‌باشد، گسترش پیدا کند، و تنها پس از سپری شدن این مدت سرمایه‌گذار خارجی باید مالیات بر درآمد را پرداخت نماید.

کشورهای دیگر بخشودگی‌های مالیاتی را به درصد معینی از سرمایه‌گذاری مرتبط می‌کنند، نه به مدت زمان خاص؛ برای مثال، روسیه، اتیوپی و سودان و... چنین وضعیتی را دارند، چنان‌که، طبق حکم شماره ۱۰۰۴ مورخ ۲۳ ماه مه ۱۹۹۴، یلتسین رئیس جمهوری روسیه، کلیه شرکت‌های مشترک روسی - خارجی که دارای سی درصد یا بیشتر سهام و یا حداقل ده میلیون دلار سرمایه‌گذاری بوده و از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۴ به ثبت رسیده و در فعالیت‌های مشترک تولیدی اشتغال داشته باشند را برای مدت دو سال از پرداخت مالیات معاف کرده است. این معافیت مالیاتی، کاهش مالیات بر درآمد آنان در سال‌های سوم و چهارم را نیز به دنبال خواهد داشت.^{۳۶}

هم چنین: معافیت از مالیات بر ثروت و دارایی؛ معافیت از پرداخت حقوق گمرکی، و معافیت از پرداخت مالیات ارزش افزوده برای کالاهای سرمایه وارد شده از دیگر معافیت‌هایی است که کشورهای میزبان ممکن است بر اساس قوانین سرمایه‌گذاری خارجی به سرمایه‌گذاران خارجی اعطا نمایند.

عده‌ای از کارشناسان، سیستم مالیاتی با ثبات و با نرخ‌های معقول ولی بدون انگیزه را هم برای سرمایه‌گذار و هم برای کشور میزبان بهتر می‌دانند. به نظر این عده، تجربه نشان داده است که حذف کامل مالیات برای جلب سرمایه‌گذاران جدی، لازم نیست و در حقیقت چنین شرکت‌هایی انتظار یک سطح مالیاتی معقول را دارند؛ عبارت دیگر، آن‌ها قویاً یک نرخ مالیاتی که نرخ‌های غیر مشخص و بالای مالیاتی را به دنبال داشته باشد ترجیح می‌دهند. علاوه بر این که حذف معافیت‌های مالیاتی باعث افزایش درآمد دولت نیز خواهد شد.^{۳۷} از این رو، تعدادی از کشورهای واردکننده سرمایه در این زمینه

از استاندارد رفتار ملی استفاده می‌کنند، در نتیجه سرمایه‌گذار خارجی از حقوق و تسهیلات و معافیت‌هایی که برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های داخلی وجود دارد، برخوردار می‌شود؛ برای نمونه، طبق ماده ۳ قانون حمایت و جلب سرمایه‌های خارجی ایران، سرمایه‌هایی که طبق ماده ۱ قانون توسط سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد و به کار انداخته شود به انضمام منافع حاصل از آن، از کلیه حقوق و معافیت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌ها و بنگاه‌های خصوصی داخلی وجود دارد، برخوردار خواهند شد.

۲-۵) اجتناب از اخذ مالیات مضاعف

به طور کلی، یکی از عواملی که منجر به صدور سرمایه (اغلب در شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) به کشورهای در حال توسعه شده است، فرار از مالیات‌های جاری در کشورهای صنعتی بوده است.^{۳۸} بعضی از کشورها برای جلوگیری از مالیات مضاعف و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، قرار دادهای دو جانبه یا چند جانبه‌ای منعقد می‌کنند که به موجب آن هر یک از کشورهای طرف قرار داد، از حق خود در مورد وضع مالیات نسبت به درآمدهای تحصیل شده در کشورهای دیگر، صرف نظر می‌کنند و یا این‌که برای سرمایه‌گذاران داخلی که در کشورهای دیگر مالیات داده‌اند تخفیفاتی را در نظر می‌گیرند؛ برای نمونه، ایالات متحده برای کلیه افرادی که بابت در آمد تحصیل شده در کشورهای دیگر، به دولت‌های دیگر مالیاتی پرداخته‌اند، تسهیلاتی قائل شده است. به علاوه، شرکت‌های امریکایی، مالیات بر در آمد شعبات خارجی خود را وقتی می‌پردازند که به صورت سود سهام، در آمد خود را وصول کرده باشند. بنابراین با سرمایه‌گذاری مجدد سود خود می‌توانند پرداخت مالیات خود را به تأخیر اندازند. به علاوه کشور مزبور در مورد مالیات بر در آمد حاصله از سرمایه‌گذاری در بعضی از نواحی، از جمله کشورهای امریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه، تخفیفات بیشتری قائل شده است.^{۳۹} هم‌چنین برخی از کشورهای دیگر صادرکننده سرمایه، مقررات مشابهی در مورد مالیات بر در آمد حاصله از سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای خارج دارند.

کشورهای واردکننده سرمایه نیز ممکن است بر اساس موافقت‌نامه‌های دوجانبه‌ای که با کشورهای صادرکننده سرمایه منعقد می‌کنند، از دریافت مالیات اجتناب نمایند؛ برای نمونه، به موجب قوانین سرمایه‌گذاری خارجی پاکستان، دولت از سرمایه‌گذارانی که با کشور متبوع آن‌ها موافقت‌نامه‌ای در خصوص اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف

منعقد نموده است، از دریافت مالیات مضاعف خوداری می‌نماید.^{۴۰}

بدین ترتیب مشاهده می‌گردد که کشورهای واردکننده سرمایه، به منظور جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی سعی می‌کنند محیط حقوقی امن و جذابی برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم نمایند. با وجود این، سؤالی که مطرح می‌شود این است که این اقدامات یک جانبه تا چه اندازه مؤثر می‌باشد. به بیان دیگر، اثرات این تضمین‌ها تا چه حد پایدار و با ثبات است؟

د- اثرات تضمین‌های ناشی از قانون‌گذاری ملی

همان‌گونه که ملاحظه شد، کشورهای واردکننده سرمایه به موجب قانون، تضمین‌ها و تشویق‌هایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر می‌گیرند. براساس یک اصل پذیرفته شده در حقوق اساسی، قانون‌گذار کشور که علاوه بر وضع قوانین داخلی، می‌تواند این قوانین را لغو یا اصلاح نماید. البته به موجب قوانین اساسی، اصلاح پاره‌ای از مقررات ممکن است روش خاصی غیر از اکثریت معمولی را لازم داشته باشد.

امتیاز بزرگ قرار دادن قید حمایت از اموال در قانون اساسی آن است که دولت‌ها به خاطر فشار افکار عمومی به سادگی نمی‌توانند از آن تخلف نمایند و آن را مخدوش سازند. با وجود این، صرف این واقعیت که مقررات مربوط به حمایت، در قانون اساسی قرار داده شده است، مانع از اصلاح قانون اساسی نیست و با وجود شرایط سخت و پیچیده‌ای که برای تغییر و اصلاح قوانین اساسی کشورها در نظر گرفته شده، دولتی که مصمم به تغییر است با رعایت شرایط مورد نظر، می‌تواند این اصلاح را انجام دهد.

به لحاظ مشوق‌هایی که در قوانین سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌گردد، عده‌ای معتقدند که این‌گونه قوانین اظهاراتی را از طرف دولت در بردارند و بدین ترتیب نهاد «استاپل»^{۴۱} را علیه کشور سرمایه‌پذیر بوجود می‌آورند. از نظر فریدمن:

«وقتی کشوری از طریق اعلان یا آگهی عمومی از سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری در امر توسعه صنایع یا صنایع معینی دعوت به عمل می‌آورد، و سرمایه‌گذاران خارجی به این دعوت پاسخ مثبت می‌دهند، سلب مالکیت بدون جبران خسارت، به وضوح اجرای اصل استاپل... را توجیه می‌کند. دولت باید از عمل متناقض با انتظارات معقولی که خود او ایجاد کرده است، خوداری کند.»^{۴۲}

نهاد «استاپل» در سیستم‌های حقوقی و حقوق بین‌الملل اصل حقوقی شناخته شده‌ای است، با وجود این نمی‌تواند یک کشور را از انجام اصلاحات در قوانین داخلی اش باز دارد. کاربرد نهاد «استاپل» در رابطه با تضمین‌های قراردادی یک کشور می‌باشد، که در آن جبران خسارت در صورت سلب مالکیت پیش بینی شده است. منظور این است که کشور سرمایه پذیر وقتی به سلب مالکیت از اموال سرمایه گذاران اقدام می‌کند، تعهداتش را نسبت به سرمایه گذاری خارجی مورد انکار قرار ندهد.^{۲۳}

مسئله دیگر، مسئله آزادی سرمایه گذار خارجی برای انجام اقدام قانونی علیه کشور سرمایه پذیر است. این اقدام زمانی می‌تواند صورت گیرد که از لحاظ حقوقی تغییر یافتن تضمین بعد از انجام سرمایه گذاری تغییر، محرز باشد. در تعدادی از سیستم‌های حقوقی مشکلاتی در مورد تجویز اقدام قانونی علیه دولت وجود دارد. حتی در مواردی که انجام چنین اقدام قانونی موفقیت آمیز باشد، ممکن است مشکلاتی در اجرای حکم علیه دولتی که به سلب مالکیت یا ملی کردن اقدام نموده است، بوجود آید.

بدین ترتیب، همان‌گونه که کشورهای واردکننده سرمایه بر اساس اقدام یک جانبه در جهت تضمین‌ها و تشویق‌ها تلاش می‌کنند، بر اساس اقدام یک جانبه می‌توانند این‌گونه تضمین‌ها و امتیازات را از بین ببرند.

پی نوشت‌ها:

۱. این قانون در ایران تحت عنوان «قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» در ۷ آذر ۱۳۳۴ تصویب شده است.
2. A.B.Parra, The Scope of New Investment Law and International Instruments, Transnational Corporations, Vol.4, No.3 (1995) p.29.
3. Z.A. Kronfol, Protection of Foreign Investment: A study in International Law (Netherlands, A.W. Sijthoff Leiden, 1972) p.41.
4. E.I. Nwogugue, The Legal Problems of Foreign Investment in Developing Countries (Great Britain, Manchester University, 1965) p.54.
5. Z.A. Kronfol, op.cit., p.42.
6. Ibid, p.41.
۷. آنتوان باسیل و دیگران، تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ترجمه غلامحسین رهبری (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳) ص ۷۲.
۸. همان، ص ۷۳.
9. A.R. Parra, op.cit., p.29.
۱۰. احمد رضا انصاری و دیگران، سرمایه‌های فیزیکی خارجی و روش‌های جذب آن (تهران، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۲) ص ۲۰۸ - ۲۰۹.
۱۱. «گزارش ویژه مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی»، جام، ش ۲۹، شهریور و مهرماه ۱۳۷۳، ص ۲۴.
۱۲. وزارت صنایع سنگین، «تأملی در جهت‌گیری‌ها و پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی مالزی»، بهمن ۱۳۷۲ (بر اساس گزارش وزارت صنایع و تجارت مالزی در دسامبر ۱۹۹۳).
۱۳. «قوانین و مقررات تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی در فدراسیون روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره دوم، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۹۱.
14. S.A. Risentfeld, "Foreign Investment" in Encyclopedia of Public International Law (Netherlands, 1985) Vol.8, p.148.
۱۵. آنتوان باسیل و دیگران، همان، ص ۷۲.
۱۶. همان.
۱۷. استراتژی سرمایه‌گذاری‌های مشترک در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت امور اقتصادی و دارایی، س ۴، ش ۳، ۱۳۶۸، ص ۵.
۱۸. محمدعلی، «بررسی عملکرد مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه»، جهان اسلام، ش ۲۳، ۴/۱۳۷۱، ص ۷.
۱۹. موضوع ماده ۴ و ۵ «قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی آن.
20. I. Delupis, Finance and Protection of Investments in Developing Countries (Great, Britain Gower, 1973) p.18.
21. Ibid.
22. See: International Monetary Found, Twelfth Annual Report on Exchange Restrictions, 1961.

۲۳. «گزارش ویژه مربوط به سرمایه گذاری خارجی»، جام، ش ۲۹، ص ۳۵.
۲۴. «قوانین و مقررات تجاری و سرمایه گذاری خارجی در فدراسیون روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره دوم، ش ۱۲، ص ۱۹۰.
۲۵. آنتوان باسیل و دیگران، همان، ص ۱۰۸.
۲۶. موضوع ماده ۳ قانون.
۲۷. موضوع ماده ۱۴ آئین نامه اجرایی قانون مذکور.
- 28.A.R.Parra, op.cit.,p.29.
۲۹. آنتوان باسیل و دیگران، همان.
۳۰. «گزارش، قوانین و مقررات تجاری و سرمایه گذاری خارجی در فدراسیون روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره دوم، ش ۱۲، ص ۱۹۰.
- 31.A.R.Parra,op. cit.,p.30.
۳۲. ضیاءالدین هیئت، اقتصاد بین الملل (چاپ سوم: تهران، ۱۳۵۱) ج ۲، ص ۳۰۷.
33. See: The United Nations Economic Commission for Asia and Far East. Commite on Industry and Trade (Bankok,1950),p.4-5.
۳۴. محمد علمی، همان.
35. Capital Investment Act of April 1963, and Income Tax Amendment Act 1958, Ghana Gazette, Supp., No. 84,1985.
۳۶. «قوانین و مقررات تجاری و سرمایه گذاری خارجی در فدراسیون روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره دوم، ش ۱۲، ص ۱۹۰.
37. Guy Pfeffermann, Facilitiating Foreign Investment, Some Dos and Don,ts(Finance and Development,March 1992) p.46-47.
۳۸. احمد رضانصاری و دیگران، همان، ص ۲۷.
۳۹. ضیاءالدین هیئت: همان، ص ۳۰۷.
۴۰. «استراتژی سرمایه گذاری های مشترک در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور اقتصادی و دارایی، س ۴، ش ۳، ۱۳۶۸، ص ۵.
41. Estopple.
- معادل فارسی این اصطلاح «منع انکار بعد از اقرار» می باشد.
- 42.E.I.Nwogugu,Legal Problems of Foreign Investments,Hague Recueil, 153 (1976) p.187.
- 43.Ibid,p.188.